

## حرمت نکاح مسلمان با غیر مسلمان و احکام آن

محمد رسولی<sup>۱</sup>، الهه زنگنه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور

---

### چکیده

در این نوشتار سعی شده که قوانین اسلام در رابطه با ازدواج مرد مسلمان با زن غیر مسلمان و بالعکس بیان گردد اعم از اینکه آن غیر مسلمان اهل کتاب باشد یا مرتد، مرتد چه فطری باشد ملی. اگر چه عده ای ازدواج با غیر مسلمان را در صورت یقین داشتن به عدم تأثیر مسلمان از کافر بلکه تأثیر مسلمان در کافر به جهت اشاعه اسلام جایز می دانند. علی رغم اینکه کتب اهل کتاب نیز مانند انجیل و تورات تحریف گردیده ولی قطع نظر از تحریف این کتب ازدواج مسلمان با غیر مسلمان بررسی می شود.

**واژه‌های کلیدی:** حرمت، نکاح، مسلمان، غیر مسلمان، احکام.

---

#### مقدمه:

از منظر فقهی اسلام ضوابط مشخصی را برای نکاح به طور کلی و نکاح با غیر مسلمانان به طور خاص مشخص کرده که رعایت این قواعد و مسائل علاوه بر اینکه از دیدگاه شریعت مقبول است از نظر اجتماعی و حقوقی انسان را از خطا مصون داشته و مانع می شود که آدمی به خطرات و پرتگاههای زندگی نزدیک گردد. ارتداد به لحاظ فقهی امری مردود و مبعوض پروردگار متعال است تا آنجا که در رابطه با نکاح نیز توصیه شده که از ازدواج با افراد مرتد پرهیز گردد به گونه ای که همه ادیان در این خصوص ضوابط و قوانین خاصی دارند.

#### حرمت نکاح با غیرمسلمان:

ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی: «نکاح مسلمه با غیرمسلم جایز نیست».

به موجب ماده فوق زن مسلمان نمی تواند با مرد غیرمسلمان نکاح نماید و عموم آن بر انواع نکاح (دائم - منقطع) شمول دارد و نسبت به حالت عکس یعنی ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمه ساکت است که با مراجعه به متون و منابع فقهی بایستی حکم فرض اخیر را استنباط نمود.

#### بررسی فقهی:

قانون مدنی تعریفی از کلمه «مسلم» و «غیرمسلم» ننموده و از اقسام آن ذکری به میان نیاورده است. ولی با توجه به آثار و احکام مختلفی که بر انواع آن مترتب می باشد لازم است نخست به طور اجمال این دو کلمه را از نظر فقهی تعریف و سپس احکام هریک را متذکر گردیم.

مسلم کسی است که اقرار به وحدانیت خداوند و رسالت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله (ص) داشته باشد. در مقابل، غیرمسلم کسی است که چنین اقراری نداشته باشد. ناگفته نماند کسانی که یکی از ضروریات دین اسلام را منکرند ملحق به غیرمسلمانند.

#### اقسام غیرمسلم (کافر):

کافر اصناف مختلفی دارد:

الف) اهل کتاب که پیرو یکی از ادیان الهی می باشند. اسلام برای این ادیان پیامبر و کتاب آسمانی قائل است؛ مانند یهود و نصاری. در الهی بودن دین مجوس و عدم آن بین فقهاء اختلاف نظر وجود دارد. به موجب بعضی از روایات آنان از اهل کتاب محسوب می باشند. (نجفی، ۱۳۷۷ ق: ج ۴۳/۳۰، علامه حلی، ۱۳۸۸: ج ۶۴۵/۲)

ب) مشرکین که از هیچ دین الهی پیروی نمی کنند. اعم از اینکه هیچ مذهبی را اعتقاد نداشته یا اینکه معتقد به مکاتب الحادی بوده باشند.

از نظر فقهی فرزند تابع اشرف ابوبین است، یعنی چنانچه فرزند در حین انعقاد نطفه یکی از ابوبین او مسلمان باشد محکوم به اسلام و آن را مسلمان تبعی گویند. اما چنانچه در حین انعقاد نطفه هر دو کافر باشند فرزند محکوم به کفر و آن را کافر تبعی می نامند.

## ارتداد:

کافر شدن بعد از اسلام را ارتداد می‌گویند؛ و مرتد بر دو قسم است:

۱. مرتد فطری و آن عبارت است از کسی که در حین انعقاد نطفه‌اش لااقل یکی از ابویین وی مسلمان بوده‌اند. او پس از بلوغ اسلام را پذیرفته، پس از آن کافر شده است.
  ۲. مرتد ملی و آن کسی است که در حین انعقاد نطفه هیچ‌یک از ابویینش مسلمان نبوده‌اند. وی پس از بلوغ اظهار اسلام نموده و سپس کافر گردیده است.
- پس از تعریف و تقسیم، اینک به ذکر احکام نکاح هر دسته و مبانی و مستندات فقهی آن می‌پردازیم.
- پس از تعریف و تقسیم، اینک به ذکر احکام نکاح هر دسته و مبانی و مستندات فقهی آن می‌پردازیم.

## نکاح مرد غیرمسلمان با زن مسلمان:

فقه‌های اسلام اعم از عامّه (حسن خالد عدنان نجا، بی تا: ۵۷، مغنیه، ۱۳۸۲: ۳۲۴) و امامیه (نجفی، ۱۳۷۷، ج ۲۷/۳۰) به اتفاق نظر معتقدند که کفر زوج از موانع نکاح است و زن مسلمان نمی‌تواند با مرد غیرمسلمان ازدواج نماید و چنانچه اقدام کند عقد نکاح وی باطل است.

نکاح اعم است از نکاح دائم یا موقت و نیز اعم از اینکه زوج غیرمسلم از اهل کتاب، مشرک و یا مرتد باشد. مستند این فتوی اجماع و آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ» (۲۲۱/۱) کلمه مشرک به عموم کفار تفسیر شده است.

البته منظور از نکاح در عنوان این مسئله حدوث عقد ازدواج است؛ بنابراین در مورد ارتداد بعد از نکاح بحث خواهیم کرد.

## نکاح مرد مسلمان با زن غیرمسلمه:

فقه‌های اسلام اعم از عامّه و خاصّه باتفاق عقیده دارند که ازدواج مرد مسلمان با زن کافره غیرکتابیه از اصناف کفار، چه به صورت دائم و چه منقطع، باطل و ممنوع است. (مغنیه، ۱۳۸۲: ۳۱۴، نجفی، ۱۴۱۱، ج ۲۷/۳۰) اما در مورد ازدواج مرد مسلمان با زن کتابیه (یهودی یا نصرانیه) میان فقهاء اختلاف نظر وجود دارد که ناشی از اختلاف آیات و روایات می‌باشد. (عاملی، ۱۲۷۳، ج ۳۹۱/۱، عاملی، ۱۴۲۷، ج ۲۲۸/۵، نجفی، ۱۴۱۱، ج ۳۰/۳۰-۲۸، حلی، ۱۳۸۸، ج ۶۴۵/۲، مامقانی، بی تا: ۳۶۲) خلاصه اقوال چنین است:

الف) نکاح مرد مسلمان با زن کتابیه به صورت دائم ممنوع است، ولی به صورت منقطع مانعی ندارد. این نظریه توسط مشهور امامیه ابراز شده که مستند آن جمع بین نصوص وارده است؛ یعنی جمع بین ادله‌ای که ظهور در منع نکاح به طور مطلق دارند با ادله‌ای که دلالت بر جواز نکاح به طور مطلق دارند.

ب) نکاح مرد مسلمان با زن کافره مطلقاً ممنوع است. سید مرتضی قائل به این نظریه بوده و مستند ایشان ظواهر و عموم بعضی از آیات و نصوص خاصه می‌باشد.

ج) نکاح مرد مسلمان با زن کافره مطلقاً جائز است. این گروه نیز به دسته‌ای از آیات و روایات تمسک جسته‌اند.

بامدافه در مستندات اقوال فوق دلیل محکمی برای منع نکاح بخصوص در هنگام ضرورت به نظر نمی‌رسد؛ بنابراین قول سوم مورد تأیید می‌باشد. هرچند که در خصوص ازدواج دائم با آنان احتیاط در ترک است. از نظر علمای عامّه در مکاتب اربعه نکاح با زن کتابیه بدون اشکال است. (جوزیه، ۱۴۲۳، ج ۳۸۱/۲)

قانون مدنی در رابطه با ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان سخنی به میان نیاورده و به سکوت برگزار نموده است؛ و شاید با توجه به اینکه در مقام بیان موانع نکاح است بتوان گفت که مستنبط از قانون مزبور عدم منع می‌باشد. ولی از آنجاکه گفتیم بطلان ازدواج مرد مسلمان با زن کافره غیرکتابیه جزء مسلمات فقه اسلامی است این استنباط مخدوش می‌شود و لذا به استناد اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قضات بایستی حکم قضیه را به همان نحو که بیان شده استخراج نمایند. نظر تحریرالوسیله در مورد ازدواج مرد مسلمان با زن کتابیه چنین است: بنحو منقطع اقوی جواز و بنحو دائم احوط ترک است. (خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲/۲۸۵)

#### تذکره:

همان‌طور که گفتیم در خصوص زرتشتیان (مجوسیان) میان فقها اختلاف نظر است. مرحوم اصفهانی عقیده بر آن دارد که این گروه ملحق به اهل کتابند (اصفهانی، ۱۴۲۷ ق: ج ۲/۱۹۲) ولی فقهای متأخر از جمله امام خمینی مدظله‌العالی با این نظر مخالفند و بنابراین نکاح با آنان را مطلقاً باطل می‌دانند. (همان)

#### نکاح بین فریق مسلمان:

از نظر فقهای امامیه ازدواج پیروان این مذهب با سایر مذاهب اسلامی بلامانع است. ولی از این عموم دو گروه استثناء گردیده و نکاح با آنان ممنوع و در حقیقت ملحق به کفار شده‌اند.

۱. ناصبیان - ناصبی کسی است که با یکی از اهل بیت رسول اکرم (ص) دشمنی دارد و باین مطلب تظاهر می‌نماید و به آن بزرگواران ناسزا می‌گوید. البته لازم به تذکر است که هر چند ناصبیان از فرق اسلامی می‌باشند ولی چون محبت اهل بیت (ع) را که از ضروریات دین اسلام است منکرند، در حکم کفار محسوب می‌گردند.
  ۲. غالیان - غالی (غلو کننده) کسی است که نسبت به معصومین و امامان غلو نمایند یعنی آنان را در حد خدائی بپرستد و یا اعتقاد به نبوت آنان داشته باشد.
- دو گروه فوق ملحق به کفار غیر کتابی هستند و لذا ازدواج مردان مسلمان با آنان جائز نمی‌باشد. (خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲/۲۸۵)

#### نکاح بین پیروان ادیان دیگر:

از آنجاکه گاهی بر ازدواج پیروان سایر ادیان در رابطه با ما آثار حقوقی مترتب است، لذا لازم است نظر فقه اسلامی بیان گردد؛ تا آثار مترتبه و احکام آن مشخص شود. دین مقدس اسلام به مقررات ازدواج ادیان و مذاهب دیگر به دیده احترام می‌نگرد و برای ازدواج و طلاق که بین پیروان ادیان و مذاهب دیگر واقع می‌شود همان آثار و احکامی را می‌شناسد که در آن ادیان و مذاهب آن آثار و احکام مراعات می‌شود. البته در صورتی که ازدواج و یا طلاق از نظر مذهب خودشان صحیح و منطبق با شرایط مذهبی آنان انجام شده باشد؛ و در این جهت فرقی میان فریق کفار کتابی و غیر کتابی وجود ندارد. در فقه امامیه قاعده‌ای است تحت عنوان قاعده «الزام» مستند به حدیث «الزُّمُّوهُمُ بَمَا الزُّمُّوا عَلَیْ أَنْفُسِهِمْ» یعنی کفار را به همان مقرراتی که خودشان ملتزم هستند الزام دارید. به موجب این قاعده کفار در محاکم اسلامی به مقرراتی که در مذهب خودشان وجود دارد ملزم می‌گردند؛ و همچنین پس از اسلام آوردن به انجام تعهداتی که در حال کفر به آن‌ها متعهد شده‌اند ملزم می‌شوند.

اینک به آثار حقوقی مترتبه بر فروع مورد بحث اشاره‌ای خواهیم داشت.

مسئله ۱: از نظر فقهی چنانچه زوجین کافر به اتفاق یکدیگر مسلمان گردند لازم نیست مجدداً عقد نکاح مطابق با مقررات اسلامی بین آنان جاری گردد، بلکه به همان عقد سابقشان باقی خواهند ماند. البته این حکم در صورتی است که آن عقد نکاح در مذهب خودشان واجد شرایط صحت باشد؛ و نیز مواعنی که از نظر اسلامی ابتدائاً و استدامتاً موجب بطلان نکاح است وجود

نداشته باشد. چون در غیر این صورت نکاحشان محکوم به بطلان است و بایستی مجدداً عقد منطبق با موازین اسلامی برقرار گردد. مثل اینکه نکاح بین اقربای نسبی یا رضاعی صورت گرفته باشد. (اصفهانی، ۱۴۲۷: کتاب نکاح)

توضیح این که بعضی از امور مطلقاً مانع نکاحند، چه ابتدائاً و چه استدامتاً، مثل قرابت نسبی و یا رضاعی؛ و بعضی از امور هر چند ابتدائاً مانع انعقاد نکاح می‌باشند. ولی مانع ابدی نیستند، بلکه منع نکاح منوط به وجود آن امر است. مادام که موجود باشد، نکاح باطل است؛ و چنانچه رفع گردد، منعی برای نکاح وجود نخواهد داشت. مثل ازدواج در عده یا ازدواج با خواهر زن که منع نکاح منوط به بقاء عده و یا بودن خواهر در حباله زوج است. چنانچه عده منقضی شود و یا خواهر از قید نکاح خارج گردد، ازدواج مانعی ندارد.

از نظر فقهای امامیه چنانچه عقد نکاح در حال کفر با وجود یکی از موانع دسته دوم واقع شده باشد ولی در زمان اسلام آن موانع رفع شده باشد، محکوم به صحت است و نیازی به عقد مجدد نیست؛ ولی موانع دسته اول موجب بطلان نکاح است و بایستی مجدداً صیغه عقد منطبق با شرائط اسلامی اجرا گردد.

از علمای عامه ابو حنیفه و ابو یوسف با آنچه علمای امامیه در فرض فوق اظهار داشته‌اند موافقت دارند (حسن خالد عدنان نجا، بی تا: ۱۵۲) ولی مالکیه می‌گویند پس از اسلام نکاح سابق مطلقاً باطل است و مجدداً بایستی عقد نکاح انجام گیرد؛ به دلیل اینکه عقد سابق از نظر اسلام باطل و کان لم یکن می‌باشد. (مغنیه، ۱۳۸۲: ۳۱۵)

مسئله ۲: هرگاه زوج کافر، کتابی یا غیر کتابی، مسلمان شود در حالی که زوجه او کتابیه و به کفر خود باقی بماند، نکاح به حالت سابق باقی خواهد ماند و دوام زندگی برای آنان اشکالی ندارد؛ خواه اسلام قبل از نزدیکی باشد یا بعد از آن و در این مسئله اختلافی میان فقهای امامیه وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۱۱ ق: ج ۵۰/۳۰، عاملی، ۲۷۳ ق: ج ۳۹۲/۱، خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۸۵/۲)

مستند فقها، علاوه بر اجماع، روایات و نصوصی است که چنین دلالت دارد. (کلینی، ۱۳۷۷ ق: ج ۴۳۷/۵) و به استناد این ادله گفته‌اند که هر چند ازدواج مرد مسلمان را با زن کتابیه به صورت دائم جائز ندانیم ولی دوام آن یعنی وقوع اسلام پس از ازدواج معنی ندارد. البته همانطور که گفتیم، در انجام نکاح مرد مسلمان با زن کتابیه ابتدائاً هم دلیلی بر منع وجود ندارد.

مسئله ۳: هرگاه زوج کافر، کتابی یا غیر کتابی، مسلمان شود و زوجه او کافر غیر کتابیه و به کفر باقی بماند، چنانچه اسلام آوردن قبل از عمل نزدیکی صورت گیرد نکاح بلافاصله منفسخ می‌گردد و اگر بعد از عمل نزدیکی باشد بین آنها تفرقه برقرار و منتظر انقضاء قاعده می‌مانند؛ چنانچه زن قبل از انقضاء عده اسلام آورد نکاح آنان بحال خود باقی خواهد ماند و چنانچه عده منقضی گردد و زن اسلام نیاورد و به آیین خود باقی بماند نکاح آنان از زمان مسلمان شدن زوج منفسخ می‌گردد؛ یعنی انقضاء عده و بقاء زوجه به آیین خود کشف از انفساخ عقد از زمان مسلمان شدن زوج می‌نماید و آثار جدائی از همان زمان بار می‌گردد. (خمینی، ۱۴۱۲ ق: ج ۲۸۶/۲، نجفی، ۱۴۱۱ ق: ج ۵۰/۳۰)

مسئله ۴: هرگاه زوجه کافر، کتابیه یا غیر کتابیه، مسلمان شود و شوهر او کافر بماند، در صورتی که اسلام آوردن قبل از نزدیکی باشد نکاح بلافاصله منفسخ می‌گردد و اگر بعد از نزدیکی باشد انفساخ نکاح متوقف بر انقضاء عده خواهد بود.

و مانند مورد قبل بینشان جدائی برقرار می‌گردد، چنانچه در زمان عده مرد مسلمان شود نکاح آنان همچنان ادامه خواهد یافت، ولی اگر به کفر خود باقی بماند و عده منقضی گردد، کشف می‌شود که نکاح از زمان اسلام آوردن زن منفسخ شده است. (علامه حلی، ۱۳۸۱: ج ۴۹/۳۰)

بنظر می‌رسد قانون مدنی نسبت به موارد فوق ساکت است زیرا ظاهر ماده ۱۰۵۹ (نکاح مسلم با غیر مسلم جایز نیست) مربوط به حدوث نکاح است و راجع به انفساخ عقد نکاح، پس از مسلمان شدن زوجه و بقاء زوج بر کفر، ساکت است.

## احکام ارتداد زوجین:

ارتداد یا قبل از عمل نزدیکی صورت می‌گیرد و یا بعد از آن؛ چنانچه قبل از نزدیکی احد از زوجین یا هر دوی آنان مرتد، فطری و یا ملی، شوند نکاح آنان بلافاصله منفسخ می‌گردد؛ و در مورد ارتداد پس از نزدیکی، چنانچه زوج به ارتداد فطری مرتد گردد همانند فرض قبل نکاح منفسخ می‌گردد؛ ولی اگر ارتداد او ملی باشد و یا زوجه مرتد گردد، خواه فطری و خواه ملی، فسخ نکاح منوط به انقضاء عده و عدم توبه خواهد بود؛ یعنی از لحظه ارتداد، بین آنان جدائی برقرار می‌گردد و بر آنان عرض توبه می‌شود، اگر قبل از انقضاء عده توبه کنند نکاح محکوم به صحت و کماکان ادامه خواهد یافت، ولی اگر عده منقضی شود و به ارتداد خود باقی باشند کشف از بطلان نکاح از حین ارتداد خواهد شد. (همان)

لازم به توضیح است که از نظر فقهی اگر مرد به ارتداد فطری مرتد گردد، دیگر توبه او قبول نمی‌شود، بلکه چهار حکم بر آن بار می‌گردد که یکی از آن احکام جدائی همسر اوست ولی مرتد ملی، چه زن و چه مرد و نیز زنی که به ارتداد فطری مرتد شود قابل توبه می‌باشند و بر آنان عرض توبه می‌گردد؛ اگر به اسلام عودت یابند پذیرفته می‌شوند و گرنه احکام مرتد بر آنان جاری می‌گردد. (خمینی، ۱۴۱۲ ق: کتاب حدود/ ۴۹۲)

## تذکره:

در مواردی که زوج مرتد می‌گردد و زوجه به اسلام باقی می‌ماند، همانطور که گفتیم، بلافاصله زن باید از مرد جدا گردد و عده نگه دارد و ازدواج او با مردی دیگر منوط به انقضاء عده می‌باشد؛ اگر زوج مرتد فطری گردد، عده زن معادل عده وفات است و اگر مرتد ملی گردد معادل عده طلاق خواهد بود. (خمینی، ۱۴۱۲ ق: کتاب نکاح/ ۲۸۶)

## ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی:

ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی: «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد موقوف به اجازه مخصوص از طرف دولت است».

ماده فوق جنبه فقهی ندارد بلکه از نظامات مملکتی است. منظور از مواردی که منع قانونی ندارد، محتوای ماده ۱۰۵۹ است؛ یعنی در درجه نخست، مرد خارجی بایستی مسلمان باشد تا بتواند با زن مسلمه ایرانی و پس از تحصیل اجازه مخصوص از طرف دولت، ازدواج نماید.

شایان ذکر است که در فرض فقد موانع شرعی چنانچه مرد مسلمانی تبعه خارج با زن مسلمان ایرانی بدون کسب اجازه مخصوص مذکور در ماده فوق ازدواج نماید بی‌تردید ازدواج صحیح و آثار شرعی نکاح بر آن مترتب است؛ هر چند اقدام کنندگان به موجب مقررات و نظامات مملکتی تحت پیگرد قانونی قرار گیرند.

## نتیجه گیری:

به نظر می‌رسد توصیه اسلام و سایر ادیان بر مراقبت در ارتباط با غیر مسلمانان به خصوص در مورد نکاح، به جهت آن است که انسان از این طریق دچار لغزش نگردد و در نتیجه ایمانش را از دست ندهد. انسانی که هر لحظه در ورطه آزمایش است و به ویژه در صورت ازدواج با غیر مسلمین شیطان در کمین اوست و در مورد ازدواج زنان مسلمان با مردان غیر مسلمان که به طور خاص نهی الهی شدیدتر است همچنین این عمل ممکن است موجب تشویق مسلمانان دیگر گردد.

منابع:

۳. قرآن کریم.
۴. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۴۲۷ ق) وسیله النجاه، چاپ نجف.
۵. جزیری، عبدالرحمان، (۱۴۱۲ ق) الفقه علی مذاهب الاربعه، افسست قم.
۶. جوزیه، ابن قیم (۱۴۲۳ ق)، اعلام الموقعین، چاپ نجف.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۸)، تذکره الفقهاء، چاپ تهران، افسست قم.
۸. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۱)، شرایع الاسلام، مطبعه الحیدریه.
۹. خالد حسن، نجا عدنان، (بی تا)، الاحوال الشخصیه فی الشریعه الاسلامیه، چاپ نجف.
۱۰. خمینی، روح الله، (۱۳۹۰ ق) تحریر الوسیله، چاپ نجف.
۱۱. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی)، (۱۴۲۷ ق)، شرح لمعه، چاپ نجف.
۱۲. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید ثانی)، (۱۲۷۳ ق)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ تهران.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۷ ق)، الکافی، چاپ تهران.
۱۴. مامقانی، (بی تا)، مناہج المتقین، افسست قم.
۱۵. مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۲)، الفقه علی مذاهب الخمسه، افسست قم.
۱۶. نجفی، محمد حسن بن محمد باقر، (۱۴۱۱ ق)، جواهر الکلام، چاپ نجف، افسست بیروت.

## Reverence for Muslim Marriage with Non-Muslims and its Rulings

Mohammad Rasouli<sup>1</sup>, Elaheh Zanganeh<sup>2</sup>

*1- Faculty Member of Payame Noor University*

*2- Master in Payame Noor University*

---

### Abstract

This article attempts to state Islamic law regarding the marriage of a Muslim man to a non-Muslim woman and vice versa, whether it is a non-Muslim from the book or an apostate, an apostate, and a national. However, it is permissible for some non-Muslims to be married if they are certain that Muslims are not affected by the infidel, but that Muslims in the infidels have a Muslim influence in spreading Islam. Despite the fact that books from the book are distorted like the Gospel and the Torah, they are examined regardless of the distortion of these Muslim marriage books with non-Muslims.

**Keywords:** Honor, marriage, Muslim, non-Muslim, sentences

---